

تأثیر پولشویی بر اقتصاد

پولشویی دارای آثار و تبعات منفی فراوانی در عرصه های مختلف اقتصادی و اجتماعی است. آثار و تبعاتی همچون گسترش فساد و ارتشا در سطح جامعه، تضعیف بخش خصوصی، کاهش اعتماد به بازارهای مالی، کاهش درآمد دولت، تقویت منابع و شبکه مالی مجرمین. تبعات منفی این پدیده شوم موجب شده است تا حاکمیت کشورها - همگام با مراجع بین المللی - در صدد مبارزه با آن برآیند و با تصویب قوانین و مقررات لازم و اجرایی کردن آن ها، از وقوع این جرم در موسسات مالی پیشگیری نموده و یا در صورت وقوع، متخلفان را شناسایی و به مراجع قضایی معرفی کنند.

پولشویی به عنوان یک جرم مالی تأثیر منفی چشمگیری بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها به جای می گذارد. در قطعنامه ای که در ژوئن ۱۹۹۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد، برآورد شد سالانه دست کم ۲ میلیارد دلار پول تپهیر می شود. از جمله اثرات منفی پولشویی می توان موارد زیر را نام برد:

- تخریب بازارهای مالی
- فرار سرمایه به صورت غیرقانونی از کشور
- کاهش تقاضای پول و کاهش معینی در نرخ سالانه تولید ناخالص ملی
- ورشکستگی بخش خصوصی
- کاهش بهره وری در بخش واقعی اقتصاد
- افزایش ریسک خصوصی سازی
- تخریب بخش خارجی اقتصاد
- بی ثباتی در روند نرخ های ارز و بهره
- توزیع نابرابر درآمد

کشورهای در حال توسعه در مقابل مشکل بزرگ کمبود منابع مالی قرار دارند. یکی از موانعی که سبب کمبود منابع داخلی در این کشورها می شود، وجود بازار غیررسمی گسترده در اقتصاد این کشورهاست. ورود مبادلات به حوزه اقتصاد غیررسمی دلایل متعددی دارد که دو دلیل عمده آن عبارتند از: فرار مالیاتی و غیرقانونی بودن مبادلات.

عوااید این مبادلات غیرقانونی باید به گونه ای وارد اقتصاد قانونی شود. ورود سرمایه هایی که در پی شستشو هستند، به هیچ عنوان به مفهوم سرمایه گذاری در معنای متعارف نیست و به عکس با ایجاد شبکه های فاسد و غیرقانونی

در کنار این سرمایه‌ها باعث بروز مشکلات متعددی در اقتصاد کشور می‌شود که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره خواهیم کرد:

«ضعف نظام آماری و نقص اطلاعات» برای برنامه‌ریزی یکی از ضعفهای عمده هسته‌های تحقیق در کشورهای مختلف است و پول‌شویی با تغییر در اطلاعات مربوط به حجم پول، تقاضای پول، نرخ بهره، ارز و قیمت سایر داراییهای سرمایه‌ای و... به این ضعف دامن می‌زند.

هنگامی که پول‌شویی در حجم وسیعی رخ دهد، به طوری که علائم آن در اقتصاد ظاهر شود و باعث تغییرات کوتاه‌مدت یا بلندمدت در چرخه اقتصادی شود، سیاست‌گذاران بر اساس نشانه‌هایی که از این تغییرات مشاهده می‌کنند، تصمیمات خود را شکل می‌دهند، غافل از اینکه این نشانه‌ها، نشانه‌های درستی نیستند و باعث «انحراف تصمیم‌گیری» می‌شوند. سیاست‌گذاریهایی نادرست نیز موجب عدم تعادلها و سوء تخصیص منابع شده و بی‌ثباتی را به دنبال خواهد آورد.

یکی از مؤلفه‌های امنیت برای فعالان اقتصادی، به رسمیت شناختن مالکیت سرمایه و تضمین اجرای قراردادهاست؛ لیکن فساد مالی و فعالیتهای مجرمانه یکی از موانع اصلی بر سر راه امنیت اقتصادی، ایجاد شفافیت مالی و حکومت قانون است. از سوی دیگر، سرمایه‌های ناشی از اعمال مجرمانه با ورود و خروج ناگهانی در حجم بسیار زیاد، نظام اقتصادی را مختل می‌کند و امنیت سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد.

ورود سرمایه‌های نامشروع، امکان سرمایه‌گذاری واقعی داخلی و خارجی در کشور را از بین می‌برد و به دلیل آن که هدف افراد پول‌شو در وهله اول پنهان کردن منشأ غیرقانونی پول است و سودآوری برای آنها از اهمیت کمتری برخوردار است، لذا بیشتر اوقات سرمایه خود را در جاهایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که دارای توجیه اقتصادی نیست و بدین صورت، باعث کاهش بهره‌وری سرمایه، اتلاف منابع، تسهیل فساد مالی داخلی و افزایش جرایم می‌شوند و تخصیص منابع را دچار انحراف می‌کنند؛ لذا در صورتی که سرمایه‌های حاصل شده از راههای غیرقانونی زیاد باشد، این سرمایه‌ها به سوی سرمایه‌گذاریهایی که از آنها به سرمایه‌گذاری عقیم (STERILE INVESTMENT) تعبیر می‌شود؛ مانند سرمایه‌گذاری در داراییهای غیرمنقول به خصوص اشیای هنری، جواهرآلات و اتومبیل‌های تجملی و... حرکت می‌کند که باعث کاهش بهره‌وری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. افزایش فساد مالی (پول‌شویی) باعث کاهش درآمد دولت و در نتیجه، افزایش نرخ مالیاتی می‌شود و در واقع، پایه مالیاتی کاهش می‌یابد؛ یعنی دولت تنها از کسانی مالیات دریافت می‌کند که توان فرار از پرداخت مالیات را ندارند و این افراد کسانی جز طبقه کارمند و کارگر نخواهد بود؛ چرا که مالیات آنها پیش از پرداخت حقوق کسر می‌شود و بدین وسیله، اختلاف طبقاتی هر روز شدیدتر می‌شود.

«مالیاتها عمده‌ترین منابع تأمین اعتبار برنامه‌های عمرانی دولت را تشکیل می‌دهند. در یک نظام اقتصادی پویا قریب به ۹۰ تا ۹۷ درصد از منابع بودجه سالانه دولت از انواع مالیاتها تشکیل می‌شود؛ لذا به هر میزان که سهم بخش غیررسمی و فعالیتهای زیرزمینی در گردش اقتصاد یک کشور بیشتر باشد، به همان نسبت نیز دولت از دستیابی به سهم واقعی خود از درآمدها محروم می‌ماند. پول‌شویی باعث می‌شود که فعالیتهای مجرمانه ادامه یابند و به تبع آن، درآمدی که از فعالیت سالم اقتصادی معادل می‌بایست نصیب دولت می‌شد، از طریق فرار مالیاتی کاهش می‌یابد. با کاهش درآمدهای مالیاتی کشور، توان مالی دولت برای سرمایه‌گذاری در توسعه تأسیسات رفاهی و زیربنایی رو به افول می‌رود و سرانجام، منجر به افزایش خط فقر و کاهش نرخ اشتغال می‌گردد»

پول‌شویان با هدف پنهان کردن عواید حاصل از فعالیتهای غیرقانونی خود، با استفاده از شرکتی‌هایی که در نقاط مختلف تأسیس می‌کنند، عواید مزبور را با وجوه قانونی مخلوط می‌کنند. این مسئله به آنها کمک می‌کند تا محصولات خود را با قیمتی کمتر از سطح قیمت بازار عرضه کنند. گاهی شرکتی‌های مزبور می‌توانند محصولات خود را حتی با قیمتی کمتر از هزینه تولید عرضه کنند؛ بر این اساس، چنین شرکتی‌هایی نسبت به شرکتی‌های قانونی که سرمایه خود را از بازارهای مالی تأمین می‌کنند، دارای قدرت رقابت بیشتری هستند و این امر باعث بیرون راندن شرکتی‌های قانونی از بازار و تضعیف بخش خصوصی قانونی می‌شود

چنانچه خصوصی‌سازی هدفمند و هدایت‌شده نباشد، می‌تواند به عنوان ابزاری برای پول‌شویی استفاده شود؛ زیرا سازمانهای مجرم از توان مالی بیشتری برای خرید شرکتی‌های دولتی برخوردارند؛ در واقع، آنها می‌توانند با خرید شرکتی‌های مورد نظر خود، مانند بانکها، از آنها برای پنهان کردن عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر و فعالیتهای مجرمانه و همچنین، فعالیتهای غیرقانونی استفاده کنند

وجوه نامشروعی که منشأ جغرافیایی آنها خارج از کشور است و برای فعل و انفعالی‌های پول‌شویی وارد کشور می‌شوند، باعث تغییر در حجم نقدینگی می‌شود و افزایش قیمت‌ها را به دنبال خواهد داشت.

«چنانچه مقدار زیادی پول با هدف پول‌شویی وارد مؤسسات مالی شود، اما به طور ناگهانی و بدون اعلام قبلی، در پاسخ به عوامل غیربازاری از نظام خارج شود، مشکلات زیادی در زمینه نقدشوندگی و امور اجرایی و همچنین، منابع بانکها ایجاد می‌کند و تمامیت بازارهای مالی را با خطر مواجه می‌کند»

هیچ کشوری تمایل ندارد که اعتبار نهادهای مالی خود را با همکاری در انجام پول‌شویی به ویژه در شرایط کنونی اقتصادی جهان از دست بدهد. پول‌شویی و جرایم مالی دیگر مانند دستکاری در بازار، داد و ستد اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات مجرمانه، اختلاس و... نقش جذب‌کنندگی سود و اعتماد و اطمینان را در بازار از بین می‌برد. کاهش اعتبار ناشی از فعالیتهای مجرمانه، فرصتهای مناسب جهانی برای رشد و پایداری را کاهش می‌دهد و باعث رشد سازمانهای مجرم با اهداف کوتاه‌مدت می‌شود.

فساد باعث تغییر جهت سرمایه‌گذاریهای درازمدت و زیربنایی به سرمایه‌گذاریهای کوتاه‌مدت در بخشهای خدماتی می‌شود که آثار زیانباری بر اقتصاد و برنامه‌ریزیهای بلندمدت دولت دارد؛ زیرا سرمایه‌گذاریهای کوتاه‌مدت در سطح کلان به دلیل ناپایداری و قدرت بالای خروج از کشور، صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره اقتصاد وارد می‌کند؛ از سوی دیگر، عواید حاصل از جرم لزوماً در جایی که تولید یا تطهیر می‌شود، سرمایه‌گذاری نمی‌شود و عمدتاً به سوی کشورهای توسعه‌یافته سرازیر می‌شوند.

در کشورهایی که قانون مبارزه با پول‌شویی وجود ندارد، جنایتکاران و مجرمان می‌توانند عواید حاصل از جرم را به راحتی تطهیر و استفاده مجدد کنند. این مسئله باعث می‌شود که فعالیتهای مجرمانه در کشور افزایش یابد. با افزایش فعالیتهای مجرمانه، هزینه‌ای که دولت باید برای مبارزه با آن صرف کند، افزایش می‌یابد و در برخی موارد این هزینه‌ها به حدی سرسام‌آور می‌شود که دیگر دولتها توان مقابله با آن را ندارند؛ لذا کشور دچار هرج و مرج می‌شود و از چرخه قانونی خارج می‌شود و این دور باطل به همین صورت ادامه پیدا می‌کند.

فرآیند پول‌شویی منجر به افزایش هزینه‌های دولت از جمله هزینه‌های مربوط به ایجاد فضای امن برای مرزهای کشور، هزینه‌های دولتی مربوط به مبارزه با آثار زیانبار و تخریبی مواد مخدر و بازپروری و درمان معتادان، هزینه‌های دولتی مربوط به محاکم و دادگاههای رسیدگی به جرائم و... می‌شود و همچنین، سایر هزینه‌های جبرانی که باید انجام شود که تعادل بازار در زمینه قیمت‌ها، نرخ تورم، نرخ بهره، نرخ ارز و بازارهای مالی و... فراهم شود، نیز موجب افزایش بار مالی دولت می‌شود. در این حالات تصمیمات جبرانی دولت در زمینه قبول اعطای مابه‌التفاوت نرخ سود تسهیلات بانکی، اعطای یارانه‌ها، قیمت‌های تضمینی، هزینه‌های مربوط به اشتغال به لحاظ برهم خوردن رقابت بین مؤسسات دارای منابع مالی قانونی و مؤسسات برخوردار از تأمین مالی ناشی از پول‌شویی و در نتیجه، خارج شدن تدریجی مؤسسات اولیه از عرصه تولید، افزایش بیمه‌های بیکاری و... به افزایش بی‌رویه هزینه‌های دولت منجر می‌شود.

پول‌شویی کشورهای در حال توسعه را از راه تجارت و جریان سرمایه خارجی آنها نیز متضرر می‌کند. یکی از مهم‌ترین مشکلات شناخته‌شده کشورهای در حال توسعه، با عنوان فرار سرمایه از طریق نهادهای مالی داخلی و یا نهادهای مالی مرزی و فرامرزی که دامنه آنها تا مراکز پولی عمده دنیا مانند نیویورک، لندن و توکیو گسترش می‌یابد، انجام می‌پذیرد؛ در مقابل، شواهد کمی در خصوص فرار سرمایه در اثر اعمال سیاستهای مبارزه با پول‌شویی در دست است.